



مرگ غم انگیز نوزاد در تپه‌های شیشه‌ای پدر

کامران علمدهی
روزنامه‌نگار

عقربه‌های ساعت از ۱۱ صبح گذشته بود که مرد زندانی همراه با ۲ مأمور بدرقه وارد شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران شد. با حضور متهم در جلسه دادگاه قاضی شروع رسیدگی را اعلام کرد. نخست نماینده دادستان در جایگاه ویژه قرار گرفت و متن کیفرخواست را برای حاضران خواند. متهم مردی ۵۱ ساله است که از حدود دو سال قبل به اتهام قتل دختر ۸ ماهه‌اش بر اثر ضرب و جرح و ایراد صدمات بدنی دستگیر شده و مادر نوزاد خواهان اشد مجازات برای همسرش شده است.

پس از پایان متن کیفرخواست رئیس شعبه از مرد زندانی خواست که به جایگاه برود و حقیقت ماجرا را شرح دهد. متهم وقتی مقابل قاضی ایستاد گفت: من تحصیلکرده هستم و به‌عنوان تکنیسین تجهیزات پزشکی کار می‌کردم. به خاطر شغلم به مأموریت‌های زیادی می‌رفتم و در همین رفت و آمدها با مواد مخدر آشنا شدم و کم‌کم به دام اعتیاد افتادم. هزینه مصرف مواد مخدرم که بالا رفت دیگر حقوقم کفاف زندگی را نمی‌داد و شب‌ها با خودروام مسافرت‌های می‌کردم. از آنجا که من بدترین نوع مواد را انتخاب کرده بودم و هروئین می‌کشیدم خیلی زود وضعیتم تغییر کرد و همه دار و ندارم را دود کردم زمانی رسید که خودم از این وضعیت خسته شدم و تصمیم گرفتم ترک کنم به همین خاطر به یک

کمپ ترک اعتیاد رفتم و توانستم اعتیادم را ترک کنم. پس از اینکه پاک شدم بواسطه آشنایی با روحیه معتادان و وضعیت آنها تصمیم گرفتم به‌عنوان روان درمانگر در یکی از کمپ‌ها مشغول به کار شوم و به معتادان دیگر در ترک اعتیاد کمک کنم. در همان کمپ بود که با همسرم آشنا شدم. به او کمک کردم اعتیادش را ترک کند و بعد هم به خاطر عشق و علاقه با او ازدواج کردم. الان ۱۸ سال است که باکم. مدتی بعد از ازدواج پسرم به دنیا آمد و زندگی خوبی داشتیم. ۵ سال بعد هم دخترمان به دنیا آمد. می‌خواستیم شناسنامه دخترم را از تهران بگیرم به همین خاطر می‌خواستیم به تهران بیاییم که مادر همسرم فوت کرد چون حال روحی همسرم زیاد خوب نبود و من هم باید ۳ ماه به مأموریت می‌رفتم بچه‌ها را به تهران آوردم و به مادرم سپردم و خودم به مأموریت رفتم.

در حالی که متهم به این جای داستان زندگی اش رسیده بود صدای در اتاق شعبه بلند شد و همسر متهم به همراه وکیلش اجازه ورود خواستند.

وقتی زن جوان وارد اتاق شد قاضی از متهم خواست سر جایش بنشیند تا نخست اظهارات مادر مقتول و درخواست وی مبنی بر شکایت از همسرش را ثبت کنند. در همین موقع زن جوان به جایگاه رفت و گفت: بعد از فوت مادرم من خانه او بودم که شنیدم همسرم را به اتهام حمل مواد مخدر دستگیر کرده‌اند. بلافاصله با بچه‌هایم به تهران آمدم و بعد از سپردن بچه‌ها به مادرشورم کلی دوندگی کردم تا توانستم بعد از ۳ ماه شوهرم را آزاد کنم.

در همین موقع قاضی رو به متهم کرد و گفت: تو که گفتی مأموریت بودی چرا نگفتی زندان بودی؟ در حرف‌هایت گفتی ۱۸ سال است پاک هستی پس چرا مواد مخدر همراه داشتی؟

متهم با شرمندگی گفت: دروغ گفتم. قسم می‌خورم دیگر دروغ نگویم و واقعیت را بیان کنم. سپس زن جوان ادامه داد: چون خانهای نداشتیم به ناچار به خانه مادرشورم رفتم و چند ماه بعد با پس اندازم خانهای در پردیس گرفتم و به آنجا رفتم. شوهرم در خانه اخلاق خوبی نداشت و سر هر موضوع ساده‌ای مدام بچه‌ها را کتک می‌زد. بارها به او گفتم که دخترمان کوچک است و نباید به خاطر گریه‌هایش از کوره در بروی اما چون شیشه مصرف می‌کرد در حال خودش

نبود و با هر گریه‌ای عصبانی می‌شد و بچه‌ها را کتک می‌زد.

زن جوان ناگهان به گریه افتاد و گفت: وقتی از شوهرم می‌پرسیدم چرا دخترمان را کتک می‌زنی می‌گفت او خیلی شبیه تو است چشمانش شبیه چشمان توست وقتی شیشه مصرف می‌کنم دچار توهم می‌شوم و فکر می‌کنم اگر دخترمان بزرگ شود و ازدواج کند چون شبیه توست در واقع تو با مرد دیگری ازدواج کرده‌ای و من تحمل این موضوع را ندارم دلم می‌خواهد او را بکشم تا دست کسی به او نخورد.

مادر مقتول درباره شب حادثه گفت: آن شب شوهرم از من خواست برایش املت درست کنم به آشپزخانه که رفتم صدای گریه دخترم را شنیدم با عجله به اتاق برگشتم و دیدم شوهرم چنان بچه را کتک زده که نفسش بالا نمی‌آمد بچه را بغل کردم حالش که بهتر شد دوباره برای درست کردن املت به آشپزخانه رفتم که این بار صدای جیغ بچه را شنیدم و بعد نفسش بند آمد. با اورژانس تماس گرفتم وقتی امدادگران آمدند شوهرم گفت بچه از روی تخت افتاده است. اما او بچه‌ها را کشت الان هم تقاضای اشد مجازات دارم.

قاضی گفت: متهم پدر مقتول است شما نمی‌توانید درخواست قصاص کنید اما می‌توانید دیه فرزندان را از او بگیرید.

آیا دیه می‌خواهید؟

شاکلی جواب داد: بله.

در ادامه قاضی از مرد زندانی خواست به جایگاه برگردد و از خود دفاع کند.

متهم این بار سرش را پایین انداخت و گفت: من بچه‌ها را نردم مادرش او را می‌زد چند باری وقتی وارد خانه شدم فهمیدم همسرم بچه را کتک زده و در

توجیه کارش می‌گفت شلوغ می‌کرد. من به او تذکر می‌دادم و می‌خواستم تا دیگر او را نزنند. حتی به او گفته بودم که این بچه دختر است و با تنبیه هایت ممکن است ایرادی پیدا کند شاید آثار

ضرب و شتم روی بدن دخترم به خاطر تنبیه‌هایی بوده که فریبا انجام داده است. در مورد دروغی که به کارشناسان اورژانس گفتم هم علتش این بود که موضوع را پوشش دهم و همسرم گیر نیفتد. قاضی به متهم گفت: پسر کوچک شما در تحقیقات عنوان کرده که بارها شاهد کتک زدن خواهرش از سوی شما

بوده و حتی خود او را هم بارها کتک زده‌ای. متهم گفت: پسرم خیلی به مادرش وابسته است و فکر می‌کنم کمی هم دروغگو شده و برای رضایت مادرش این حرف‌ها را زده وگرنه من او را هم نمی‌زدم. با پایان جلسه دادگاه قضات

برای صدور رأی وارد شور شدند و مرد جنایتکار را به ۱۰ سال حبس و پرداخت نصف دیه به مادر نوزاد جان باخته محکوم کردند.

تحلیل حقوقی پرونده



هومن سوداگری
وکیل پایه یک دادگستری

در این پرونده پدر هیچ‌گونه اقرار صریحی مبنی بر ارتکاب رفتار مجرمانه منجر به قتل فرزند خود نداشته است اما با توجه به اظهارات وی که گاه گاهی اقدام به ضرب و جرح ملایم برای تنبیه طفل داشته

و بنابر اظهارات مادر و برادر مقتول که جملگی حاکی از تکرار ضرب و جرح طفل توسط پدر بوده، دادگاه این را اقرار ضمنی مبنی بر ضرب و جرح طفل توسط پدر در نظر گرفته و به آن استناد کرده است. اظهارات این پسر کوچک به عنوان مطلع و اماره با سایر اوضاع و احوال حاکم بر نحوه وقوع جرم مورد استناد دادگاه

رسیدگی کننده قرار گرفته است. در این پرونده با وجود نبود شهادت شهود- پسر خانواده که اظهار داشته پدرم اغلب من و خواهرم را کتک می‌زد چون به سن بلوغ نرسیده، به عنوان شاهد قابل قبول در دادگاه نیست- و فقدان اقرار صریح، قاضی رسیدگی کننده مستند حکم خود را اقرار ضمنی و

اظهارات طفل هفت ساله به عنوان اماره و در نتیجه علم قاضی بر اساس موارد ذکر شده در پرونده دانسته که البته به دلیل ضعیف بودن بار اثباتی امارات امکان اثبات خلاف آن موجود می‌باشد. «دادگاه نظر به جامع اوراق و محتویات پرونده شکایت ولی دم، گزارش مرجع انتظامی، تحقیقات بازپرسی، گواهی

پزشکی قانونی و اقرار صریح متهم در بخشی از تحقیقات مقدماتی و انکار وی در بازپرسی و دادگاه، تصاویر جسد، ضمیمه پرونده اظهارات فرزند دیگر متهم، آثار خون روی دیوار اتاق (موضوع گزارش پلیس) و دفاعیات ناصواب متهم و وکیل ایشان، اتهام انتسابی را محرز و مسلم تشخیص داد و وی را به اتهام قتل عمدی

فرزند شیرخوارش به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم کرد و نظر به منتفی بودن مجازات قصاص پدر از حیث جنبه خصوصی جرم با توجه به شکایت و درخواست مطالبه دیه از سوی ولی دم، وی را به پرداخت نصف دیه کامل با توجه به اینکه مقتول دختر متهم بوده است در حق مادر محکوم کرد.